**( 136 )**

**هو الابهی**

ای سرگشته دشت محبت الله از معین حیوان نوشیدی و از شهد عرفان جمال رحمن چشیدی و بمنزلگاه محبوب بیهمتا رسیدی و از فجر محبت الله چون صبح روشن دمیدی در ظل کلمه الهیه محشور شدی و در عرصه شهود بنور محمود درخشیدی بشکرانه این موهبت باید جان و جنانرا فدای جمال رحمن نمائی و سر و گردنرا قربان دلبر مهربان در نشر نفحات الله بکوشی و چون دریای پر جوش بخروش آئی و چون صبح صادق از افق مشارق و مغارب طالع گردی ای جناب حیدر حیدر اسمی از اسمآء غضنفر است پس چون هژبر بیشه وفا در غابات آن تلال و جبال نعره‌ئی بزن تا آن صوت عظیم اسد عرین بغیاض و ریاض ملکوت مبین رسد و جنود ملأ اعلی مدد نماید و قبیل ملأئکهء مقربین نصرت فرماید هر شغلی و همی عاقبت خسران مبین مگر این شأن عظیم و امر کریم که افق وجود بآن منور است و از رائحه طیبه‌اش ارجاء عالم معطر و البهآء علی اهل البهآء (ع ع)